

به مناسبت یازدهمین سال در گذشت دکتر یدالله سبحانی

"...در این میان گروه انگشت شماری هستند که یادمعد و هنگامه بازگشت چشم هایشان را بر همه چیز بسته است و هول محشر ریزش اشک هایشان را افزون تر کرده است چندان اندرز داده اند که به ستوه آمده اند و چنان سرکوبی شده اند که شکوهی ندارند و چندان قربانی داده اند که انگشت شمارند..." (بخشی از خطبه 32 نهج البلاغه)

وقتی خواستم به مناسبت یازدهمین سالگرد مرحوم دکتر یدالله سبحانی بنویسم، ناخودآگاه به یاد این عبارت از کلام امیرالمومنین افتادم. در این خطبه علی (ع) پس از شرح وضعیت زمانه خود و معرفی چند گروه از اقشرهای جامعه، در پایان به گروهی اندک اشاره می کند که زندگی دنیوی و منافع شخصی برایشان در سایه اهدافی والا تر و بزرگتر قرار دارد. اینان گروهی اند که یک دم از ذکر و یاد الهی غافل نمانده اند و هراس روز بازپسین اشک های آنان چشمهایشان را پوشانده است. ولی این یاد خدا مانع از آن نمی شود که مردم را از یاد ببرند و تنها در خلوت خود به راز و نیاز بپردازند. برای این دسته رسیدگی به امور مسلمین علی رغم ناکامی ها و رانده شدن ها و توهین و زجرها و آزارها آنها را از اهدافشان باز نداشته است. و سرانجام و نهایت کار آنها نیز چنین بوده است: "حتی قلوا" کمی تعداد، انگشت شمار بودن!

و سبحانی به گمان من از این دسته مخاطبین امام (ع) بود؛ انسانی که هم از یاد و ذکر خدا و روز بازپسین غافل نبود و هم دمی از انجام مسئولیت های اجتماعی و سیاسی غفلت نکرد و تا روزهای پایان عمر بلند خود، نه تنها واجباتش ترک نشد بل از انجام مستحبات دینی نیز غفلت نکرد و همواره ذکر خدا و یاد روز حساب را ملکه ذهن و عمل خود ساخته بود. این خداپاوری و یادکرد روزی که عمل و عقیده انسان ها در آن روز مورد محاسبه و بازخواست قرار می گیرد سبب شده بود تا سبحانی دیگر جنبه های زندگی خود را بر آن پایه و اساس بنا نهد. پایبندی به نظم و انضباط در امور، جلوگیری از اسراف و تبذیر در کارها، رعایت دقیق موازین شرعی و به ویژه مسایل مالی، اخلاق گرایی و... در همه امور از سبحانی شخصیتی پدید آورده بود که نه به گفته موافقان و دوستانش بلکه به اعتراف دیگران از او شخصیتی کم نظیر ساخته بود. و در این راه از پرداخت هزینه بیم نداشت، و هزینه های فراوانی نیز پرداخت که هزینه های مالی و از دست دادن فرصت های دنیوی شاید بخش کوچکی از هزینه هایی باشد که سبحانی به همراه دیگر همراهانش همچون طالقانی و بازرگان و دیگران در این راه پرداخت. اخراج از دانشگاه در سال 1333 بعد از امضای نامه اعتراض به قرارداد خفت بار کنسرسیوم به همراه یازده استاد دیگر دانشگاه، چندین و چند بار بازداشت و محبوس شدن در زندان های قزل قلعه و قصر و برازجان و کمیته مشترک از آن جمله بود. ولی هیچ یک از اینها سبحانی را از راهی که برپایه اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی خود آغاز کرده بود، باز نداشت. و او که علاوه بر همه این دشواری ها و رانده شدن ها و محرومیت هایی که بر خودش رفت، در طول سال های بعد از کودتای 28 مرداد به بعد شاهد هزینه های فراوانی بود که خانواده و فرزندان او به ویژه مهندس عزت الله سبحانی پرداختند بود، هیچ گاه از این راه قدمی به عقب برنداشت و تا آخرین روزهای زندگی بر همان نهج پیشین گام برداشت. و به گفته امیرالمومنین (ع) تا آنجا که توان داشت: "قد و عطا حتی ملوا و قهرهوا حتی ذلوا"، گفت و نصیحت کرد و اندرز داد و تلاش کرد تا جامعه را قدمی به پیش براند و از کژی ها و زشتی ها بکاهد.

اما سبحانی تنها مرد میدان سیاست نبود. او در زمینه فرهنگی، آموزشی، تحقیقاتی و اجتماعی از جمله سرآمدان دوران خویش بود. او چنان گروهی نبود که پرداختن به امور سیاسی آنان را از سایر زمینه ها غافل سازد. خدمات پژوهشی او در زمینه زمین شناسی که رشته تحصیلی و دانشگاهی اش بود و شاگردانی که در طول دوران تدریس در این زمینه تربیت کرد، بخشی دیگر از خدمات سبحانی بود. علاوه بر آن مرحوم سبحانی در زمینه فرهنگی و تأسیس مراکز آموزشی همچون مدرسه کمال و... نیز خدمات برجسته ای به جامعه ایران کرد.

یکی دیگر از ویژگی های مرحوم دکتر سحابی جایگاه ایشان در میان روشنفکران دینی است. او گرچه مانند دوست و همفکر همیشگی خود مرحوم مهندس بازرگان آثار مکتوب زیادی از خود به جای نگذاشت ولی در طول سال های زندگیش از جمله پیشروان اصلی روشنفکری دینی محسوب می شود. کتاب ارزشمند خلقت انسان به ویژه در زمان انتشار خود تأثیر سترگی بر نحوه رویکرد جوانان مسلمان به قرآن و اندیشه های دینی گذاشت .

یکی از بزرگترین خدمات مرحوم سحابی به جامعه ما تلفیق دین و سیاست و اخلاق بود که چنین به نظر می رسد امروز بیش از زمان خود ایشان برای ما کاربرد داشته باشد . در جامعه ای که از قدیم در آن چنین شهرت یافته است که: "سیاست پدر و مادر ندارد" یا آنکه "عرصه سیاست عرصه دروغ و نیرنگ است " و یا آنکه سیاستمدار نمی تواند دین دار باشد" امثال سحابی ها نه تنها با حرف و سخن ، بلکه با عمل خود و در صحنه حضور تمام عیار خود در عرصه سیاست به ما نشان دادند که نه فقط تلفیق دین با سیاست و اخلاق ممکن و شدنی است بلکه از جمله ضروری ترین ها همین پابندی سیاستمداران به اخلاق و دین است. راستگویی ، صداقت ، تفاوت و تبعیض میان مردم قائل نشدن ، خود را برتر از دیگران ندانستن از جمله صفاتی بود که مرحوم سحابی با کار بست آنها در زندگی سیاسی، اجتماعی خود به روشنی نشان داد که با اخلاق و دین مداری نیز می توان در عرصه سیاست و اجتماع حضور داشت.